



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

سال اول - شماره ۱۲

۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۳

۵۰ ریال

وحدت کمونیستی و اندرزهای لیبرالی

"اندیشه‌رهای" نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی در شماره اول خود (اسفند ۶۲) قسمت اول مقاله دنباله‌داری را به نام "شورای ملی مقاومت تنها آلترنا تیبود موکراتیک؟" به چاپ رسانده که قرار است در ادامه آن موقعیت و شانس به قدرت رسیدن هر یک از آلترنا - تیوهای رژیم جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. این نوشته نشان می‌دهد که برای وحدت کمونیستی "تدارک انقلاب سوسیالیستی" در ثنوری، ابزاری برای پوشش لیبرالیسم خود در سیاست است. سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی برای وحدت کمونیستی تنها یک لباس است که در بر خورنده بورژوازی و لیبرالها آنرا به آسانی وبه قیمت کسب مقام شامخ مشاورانها از تن بیرون می‌آورد، به اصل خودش رجعت می‌کند، با زبان املسی و لیبرالی خودش با شورای ملی مقاومت سخن می‌گوید و به او بند

بقیه از صفحه اول

وحدت کمونیستی و...
واندرزمی دهد. این مقاله
بخوبی آشکارمی سازد که وحدت
کمونیستی به شورای ملی
مقاومت متوهم نیست، بلکه خود
لیبرال است.
در این مقاله وحدت کمونیستی
آنقدر فاکت برای اثبات این
نکته زیادت است که ما برای انتخاب
سعدای از آنها از حدود سور در
مصیقه بودیم. نقل قولها می که
در این نوشته استفاده شده است
تنها مثنی از آن خروار است.
خواننده خود می تواند برای
دستیابی به این دریای بیکران
لیبرالیسم به خود نوشته رجوع
کند.

وحدت کمونیستی معتقد است
شورای ملی مقاومت شانس آلتی-
نا تیبودن خود را به میزبان
بیشتری (بعد از شهریور ۶۰) از
دست داده است. چندین علت آن
را برمی شمرد و اضافه می کند این
عوامل "بیش از آنکه دارای
اهمیت واقعی باشند، درکنار
کل کارکرد شورای ملی مقاومت
و علی الخصوص سازمان مجاهدین
خلق معنی دارد و حاشیه ای است
بر متن". ما در اینجا وارد بحث
میزان اهمیت این عوامل نمی
شویم. آنچه برای ما اهمیت دارد
نشان دادن لیبرالیسم وحدت
کمونیستی و موعظه خوانی، نقش
اندرزگوبانه ویدری بازی کردن
اوسرای شورای ملی مقاومت،
این ابوریسیون سورژوا - اسلامی
رژیم جمهوری اسلامی است.
در شرایطی که مجاهدین و

شورای ملی مقاومت بیشترین
زمینه برای رفع آخرین توهमत
توده های انقلابی نسبت به خود
را فراهم ساخته اند، وحدت
کمونیستی به میدان آمده تا بسا
پنهان کردن ماهیت سورژوا -
لیبرالی شورای ملی مقاومت
و مجاهدین، کلیه اعمال سیاست
های آنها و از جمله تلاش برای
حفظ ارتش و برقراری یک حکومت
اسلامی دیگر را نه ناشی از ماهیت
طبقاتی - بورژوازی آنها، بلکه
آنها "اشتها های" ناشی از
"دیدمکانیکی"، "دیدگاه پرا -
گماتستی" و "سی گذار سه آب -
زدن رهبری مجاهدین" بنا شد.
(نقل قول های استفاده شده در
متن از صفحات ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۳۳
۳۴ - ۳۵ نشریه "اندیشه های ملت")
از وحدت کمونیستی بشنوید:
"اشتها های که به نظر ما نه فقط
ناشی از بیشترین چریکی آنان بلکه
علاوه بر آن عمدتاً از جهان بینی،
از نگرش مذهبی آنان و از مکانیسم
حاکم بر عملکرد و اندیشه هایشان
نشأت می گیرد. اشتها های نه
صرفاً تاکتیکی، بلکه به ویژه
اشتها های معرفتی". "این را
مجاهدین نفهمیده اند چون
مذهبی بودند و به مذهب به عنوان
قدرت انسان ساز - و نه وسیع
کننده - بها می دادند". "تصور
این امر که بنی صدر عمداً یا سهواً
(با توجه به بزرگ بینی های
بیمارگونه او)، در مورد مکاناتش
در ارتش، ارتباط بین المللی
و اوضاع رژیم، مجاهدین را در
اشتها گذاشته است چندان بعید
نیست". (در همه جا نقل قول ها

از وحدت کمونیستی و تا کیادت
از ما است)
می بینیم که در شیوه برخورد
و دیدگاه ما و راه طبقاتی و روان -
شنا با نه وحدت کمونیستی، فریب
عمدی یا سهوی مجاهدین از طرف
بنی صدر نیز اهمیت پیدا میکند و
بزرگ بینی های بیمارگونه
بنی صدر هم به حساب آورده
می شود! یعنی طبق دیدگاه
وحدت کمونیستی، اعمال و سیاست
های بورژوازی مجاهدین و
شورای ملی مقاومت، ناشی از
"اشتها های"، "دیدگاه مکانیکی"،
"نگرش مذهبی" و غیره است. نزد
وحدت کمونیستی این مهم نیست
که به کارگران و توده های مردم
نشان دهد مجاهدین و شورای ملی
مقاومت از یکسو و سلطنت طلبان
از سوی دیگر برای به قدرت رسیدن
و حفظ سرما به در ایران با اتکاء
به ارتش و حفظ آن، در بندوست
با قدرت های امپریالیستی به چه
رقابت آشکار و پنهان آوری
مشغولند. او با تحلیل ما و راه
طبقاتی خود تمام ماهیت و عملکرد
بورژوازی شورای ملی مقاومت و
مجاهدین را به یک سلسله "اشتها -
ها" تا چیزی تقلیل می دهد.
بدون شک اگر در نزد وحدت
کمونیستی "پروژه تدارک انقلاب
سوسیالیستی" ادعائی بیش نبوده
و پوششی برای پنهان کردن
لیبرالیسم اش نباشد باید در این
"پروژه تدارک" آموزش پرولتاریا
و آگاهی دادن به او را مدنظر
داشته باشد. آموزشی که باید به
پرولتاریا با آموزش چگونه احزاب
و سازمانهای بورژوازی را نقد

کند. در بین جملات پرطمطراق و بزرگ شده همیشگی بورژواها اهداف و نظرات استثماریگرا نه - شان را تشخیص دهد. آموزشی که پرولتاریا را قادر سازد تا در میان کلیه اتفاقات و حوادث روزمره، راه خود را برای رسیدن به سوسیالیسم بیابد و آنرا همواره مستقیم و سراسر است بیبماید. آموزشی که به پرولتاریا نشان دهد در هر جنبشی با هر محتوایی چگونه و از چه طریق باید از منافع مستقل و طبقاتی خود دفاع کرده و مستقل خود را در مقابل کلیه احزاب و سازمانهای بورژواشی و خرده بورژواشی حفظ کند و بسا افسانه بیگمراهه و قاطع آنها که به دموکراسی انقلابی پشت کرده اند و راه بندوبست با سرمایه و امپریالیسم را برگزیده اند، طبقه کارگر و سوسیالیست را از سمومی که آنها می پراکنند مصون دارد و بدین طریق دموکراسی انقلابی را نیز تقویت کند.

لنین در قسمتی از سخنرانی خود درباره شیوه برخورد به احزاب بورژواشی در کنگره پنجم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه چنین می گوید: "یک سیاست قاطع و استوار پرولتری چنان گنجینه ای از اندیشه ها، چنان درک روشنی از مبارزه و چنان باساری ای در مبارزه به کل طبقه کارگر خواهد داد که دیگر احدی در روی زمین قادر به طلب نظر و دور کردنش از سوسال دموکراسی نخواهد بود. حتی اگر انقلاب طعم تلخ شکست را تجربه کند، پرولتاریا نخست و مقدم بر هر چیز خواهد آمد موخت که

با به های اقتصادی - طبقاتی هم لیبرالها و هم احزاب دموکراتیک را بشناسد؛ و آنگاه خواهد آموخت که از خیانت های بورژوازی متزجر و از دست عنمریها و نوسانات خرده بورژواشی در راه رسیدن به مقصود، بیزار باشد. تنها چنین اندوخته ای از دانش، تنها با اکتساب چنین عاداتی در شیوه تفکر است که پرولتاریا خواهد توانست متحد تر و متهورانه تر بسوی انقلاب جدید، انقلاب سوسیالیستی، گام بردارد."

اما برای وحدت کمونیستی، مارکسیسم و "تدارک انقلاب سوسیالیستی" تنها ابزار احترامی افلاطونی به مارکسیسم است. تنها پوئشی است تا در عرصه سیاست بتواند نظریه لیبرالی خود در مورد معاهدین و شوزای ملی مقاومت را پنهان دارد. بتواند معاهدین و شورای ملی مقاومت را نه آن جریان های که ناگزیر در آینده زود در روی انقلاب، بوده ها و طبقه کارگر قرار خواهد گرفت؛ نه آن جریان های که تلاش می کنند تا قبل از اینکه توده های مردم فرصت دخالت و اعمال اراده بیابند، از بالا و از طریق بندوبست یا امپریالیستها جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شود و اجازه ندهد "اغتشاشات" سال ۵۷ تکرار شود؛ نه آن جریان های که ارتش را حفظ خواهد کرد و یکبار دیگر بدین و مذهب را در سرکوب دموکراسی و حفظ سرمایه به خدمت خواهد گرفت. معرفی نماید؛ بلکه آن جریان و نیروی معرفی کند که

علت تمام سیاستها، برنامه و اعمال و کردارشان از پیرا - گما تیسیم و بد مکنایکی آنهاست. اشتباهاتشان معرفتی است و ناشی از دیدگاه مذهبی آنهاست؛ اشتباهاتشان ناشی از آن است که به مذهب به عنوان قدرت انسان ساز و نه بسیج کننده بها می دهند؛ البته در کنار همه اینها اگر بزرگ بینی های بیما رگونه بینی مدررا در نظر بگیریم بعیند نیست که او معاهدین را عمدایا سهوا فریب داده باشد!

"معاهدین این را نفهمیدند که برای توده های مردم بیسن مذهب آنان و مذهب خمینی چه فرقی هست (اساسا اگر فرقی باشد) اگر این ها - معاهدین - مذهب تازه ای آورده بودند یا زحرفی، ولی برای همان خدا و همان پیغمبر و همان امامان علیه امام عصر شوریدن انتظار ریبجائی است. ما این تا کید را بر عامل مذهب به عنوان ردنظر معاهدین در تکیه به مذهب می دانیم."

اینهم ردنظر معاهدین در تکیه به مذهب به شیوه وحدت کمونیستی؛ "اگر اینها مذهب تازه ای آورده بودند یا زحرفی، چه حرفی؟ شما بخوا طردین جدیدی که آورده بودند به این پیغمبران و امامان جدید تبریک می گفتید؟ اگر هم اکنون می گوشید "معاهدین این را نفهمیدند که برای توده های مردم بس مذهب آنان و مذهب خمینی چه فرقی هست (اساسا اگر فرقی باشد)" و اسطارتان را از بیستن مردم به آنها بیجا می دانید در آن

صورت انتظارشان را بجا دانسته و مردم را ملامت می کردید که چرا به ما هدین نمی پیوندند؟ آیا با این نوشته قصد دارید ما هدین را تشویق کنید که دین جدیدی بسازند و علاوه بر مفاسد "فرمانده عالی" و "مسئول اول" به پیغمبری و امامت هم برسند؟ آیا قصد دارید کارگران و زحمت - کشان را بسیج کنید که ما هدین را تحت فشار بگذارند تا مجبور به تعویض مذهبشان شوند؟

کارگران و زحمتکشان که بیش از ۵ سال معنای زندگی تحت حاکمیت مذهب را با گوشت و پوست خود درک کرده اند، ظرفیت های بیکران ارتجاعی و ضدانسانی دین و اسلام را در خدمت به سرمایه و امپریالیسم بخوبی مشاهده کرده اند خواستار دین و مذهب تازه ای نبوده، بلکه خواستار جدائی دین از دولت هستند و لزوم آترادری می کنند. کارگران آگاه ایران اهداف ما هدین و شورای ملی مقاومت در اتکا به مذهب را اینگونه رد نکرده بلکه هدف ما هدین و شورای ملی مقاومت در بکار گیری دین و مذهب بر علیه دموکراسی و در دفاع از سرمایه و امپریالیسم را افشاء می کنند و ما هدیت - سوز را زوای آنرا به توده های ملی شناسانند. اما وحدت کمونیستی در مقام تاج و شمشیر شورای ملی مقاومت به آنان درس می دهد. وحدت کمونیستی به ما هدین می گوید که می خواهید در رسیدن به اهداف بورژوازی خود بیسروز شوید، اولاً باید مذهب بعنوان

یک نیروی بسیج کننده نگاه کنید و نه یک قدرت انسان ساز؛ ثانیا اگر فرقی بین اسلام شما و خمینی وجود دارد باید قبل از اینکه دست به عمل بزنید مطمئن شوید که مردم این فرقی را درک کرده اند. اما بهتر است که مذهب سازهای بسازید زیرا تاریخ ایران از این نمونه ها زیاد دارد و موفق تر هم بوده است مانند اسماعیلی و خرم دینی.

وحدت کمونیستی بر علیه مذهب مقالات شاد و غلاظ می نویسد اما چون آنها بازتاب سیاسی ندارند و بدین معنی نیست که به ما هدین و شورای ملی مقاومت که قصد دارند یک حکومت مذهبی بر سر کار آورند، پیشنهاد همکاری ندهد، ناچار است تا ما هدیت بورژوازی ما هدین و شورای ملی مقاومت را پنهان کند و هدف اینها را که کمزهر هسته اند تا دین و مذهب را یکبار دیگر بعنوان سلاحی ارتجاعی و بورژوازی بر علیه دموکراسی و کمونیسم و طبقه کارگر بکار ببرند و از هم اکنون نیز آترادری را گرفته اند و از دیده های بیونا بند برای ایمن منظورتان آنجا پیش رود که به ما هدین بگوید که مذهب تازه ای آورده بودید باز حرفی.

بسیار وحدت کمونیستی با چه لحن بدرا نه و استادانه که گویا دارد اشتباه تا گردانش را درباره موضوعی توضیح می دهد شخصی می گوید: "اشتباه ما هدین این بود که کمیت را در نظر نمی گرفتند و به موضوع را ... این اشتباه مهلک اولاً در نظر نمی گیرد که

چند در صد مخالفین رژیم و امعا علیه آن خواهند جنگید ... ما هدین ناراضی های ارتش را می دیدند ولی این ناراضی ها توانستند تشخیص دهند که مهارت ارتش در دست رژیم است ... مسئله تنها این نیست که کمیت مخالفین چقدر است و کمیت هوا داران چه قدر ...

چقدر خوب است رهبری سازمان ما هدین در وهله اول خود و در وهله بعد کار درها پیش برای گذرا - نیدن یک دوره آموزشی نزد وحدت کمونیستی بیروند. در آن صورت به عقیده وحدت کمونیستی بهتر، راحت تر و فوری تری توانند به اهداف بورژوازی شان برسند. زیرا برای وحدت کمونیستی رو کردن دست ما هدین و شورای ملی مقاومت در حفظ ارتش در جمهوری دموکراتیک اسلامی معنای کمی ندارد. برای وحدت کمونیستی رو کردن دست ما هدین و شورای ملی مقاومت به عنوان یک جریان بورژوازی که قصد دارد بعد از جمهوری اسلامی یکبار دیگر همان بلائی را به سر انقلاب ایران بیاورد که جمهوری اسلامی آورد، جایگاهی ندارد. مخالفت ما هدین و شورای ملی مقاومت با تسلیم عمومی مردم و اتکا آنها به ارتش هیچ نشانی از غیر انقلابی و غیر دموکرات بودن ندارد. آگاه کردن بیولتا را از عواقب شوم حفظ ارتش چیزی که مردم ایران آترادری جمهوری اسلامی تجربه کرده اند اهمیتی ندارد. وحدت کمونیستی با حدت تمام سعی می کند همه

اینها را از چشم مردم و پرولتاریا پنهان کند و توجه پرولتاریا و مردم را به این جلب کند که گویا محاهدین صرفاً دید پراگماتیستی و مکانیکی دارند؛ تا می‌تواند پرولتاریا فکر کند که اعمال و سیاستها و برنامه محاهدین و شورای ملی مقاومت همه حاکی از آنست که آنها بورژوا هستند، راه بتدوینت با سرمایه‌ها و امپریالیسم را برگزیده و تلاش می‌کنند سرمایه را از جنگ انقلاب ایران نجات دهند.

همانگونه که محاهدین و شورای ملی مقاومت روبه سرمایه‌ها می‌کنند و می‌گویند ما به خوشنیت اعتقاد نداریم و نخواهیم گذاشت "اغتشاشات" سال ۵۷ تکرار شود، وحدت کمونیستی نیز مورد خطایش نه به کارگران و زحمتکشان بلکه محاهدین و شورای ملی مقاومت است و تلاش می‌کند تا به محاهدین و شورای ملی مقاومت نشان دهد هنگامی که به نمایح و پند و اندرزهای پدران لیبرال‌ها "دانا تر" از خودشان گوش فرادهند تا چه اندازه در رسیدن به اهداف بورژواشیسان موفق خواهند شد. محاهدین و شورای ملی مقاومت از "تدارک انقلاب سوسیالیستی" به شیوه وحدت کمونیستی نه تنها نباید ترسی به خود راه دهند بلکه باید آنرا مزایایی برای تحمیل پروولتاریا به حساب بیاورند و آنرا

نقطه قوت وحدت کمونیستی تلقی نمایند. آنگاه خواهند دانست که چگونه وحدت کمونیستی برای مشاوره در تصمیم‌گیری‌ها تمام جوانب کار را به دقت می‌سنجد و در رسیدن به اهداف بورژواشیسان چه کمک مهمی به آنان خواهد کرد. باور نمی‌کنید، نگاه کنید: وحدت کمونیستی حتی به فکر برستیز شورای ملی مقاومت به عنوان آلترنا تیف مقبول بورژوازی و امپریالیسم هم بوده است. او در بررسی "اشتباهات" محاهدین در مبحث "پرواز تاریخی" چنین می‌گوید: "آیا حتی محاسبه پراگماتیستی، به محاهدین حکم نمی‌کرد که آلترنا تیف خود را به گونه‌ای تثبیت کنند که غرب به سراغ آنها نیاید و نه آنان به سراغ غرب؟ ... غربی که واسطه‌ها و نمایندگانش را تا "شهر مقدس" نجف می‌فرستد قاعدتاً می‌تواند با استفاده از امکانات ارتشپلایش با آلترنا تیف مطلوب خود حتی در دورترین روستاهای ایران تماس بگیرد ... حداقل درایت حتی در زمین‌ها پراگماتیستی به محاهدین حکم می‌کرد که کاری کنند غرب به سراغ آنان بیاید و نه آنان به سراغ غرب بروند. کاری که این نمایندگان غرب با شنیدن مثلاً به کردستان برای مذاکره با آنان بیاید و نه آنان که آنان برای معرفی آلترنا تیف خود در هیات

غرب شوند". اشتباه نکنید اینجای جلسه‌ای نیست که محاهدین و بنی صدر در آن در مورد چگونگی خارج شدن از ایران صحبت می‌کنند و عملی بودن و مزایای هر راه ممکن را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این جلسه شورای ملی مقاومت هم نیست که در آن در مورد خارج شدن رجوی و بنی صدر و میزبانان لطمانتی که احتمالاً آن پرواز به برستیز شورای ملی مقاومت زده باشد بحث می‌کنند؛ غیر، این وحدت کمونیستی است که چنین سخن می‌راند. او گرچه هنوز به شورای ملی مقاومت و جلسات آن راه پیدا نکرده اما راه نیافتن به شورای ملی مقاومت باعث نشده است که از فقدان "حداقل درایت حتی در زمین پراگماتیستی" در نزد محاهدین در رنج نیاید. البته از انصاف بدور است که در مورد نکته دیگری که وحدت کمونیستی در همان قسمت "پرواز تاریخی" بدان اشاره کرده در اینجا ذکر می‌نمایم. نوشته را با بیان دهیم. وحدت کمونیستی در آنجا چنین می‌گوید: "این توضیح را نه از دیدگاه کمونیستی، بلکه از دیدگاه پراگماتیستی محاهدین خلق ارائه خواهیم داد." گویا کل مقاله را که تنها بخش ناچیزی از آن را در این نوشته

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم

نقل کردیم از دیدگاه کمونیستی به بررسی شورای ملی مقاومت پرداخته است که اعلام می کند این توضیح را از دیدگاه پراگماتیستی ارائه کرده است! به وحدت کمونیستی جدا توصیه می کنیم که در مقدمه هر نوشته ای قبلا خوا - نندگان را مطلع کند که کدام یک از دیدگاه های مکائیکی، پرا - گماتیستی و ایده آلیستی و غیره را در تحلیل و بررسی خود بکار گرفته است. این به خواننده نوشته های وحدت کمونیستی کمک خواهد کرد تا به سهولت بیشتری بتواند دستگام فکری مورد استفاده آنها را تشخیص دهد. همچنین کمک خواهد کرد تا فهم و درک مطلب راحت تر گردد. از آن مهمتر - پیاپی است که وحدت کمونیستی از این طریق به شورای ملی مقاومت و مجاهدین می دهد تا اگر از خلال کل نوشته نتوانسته - اند متوجه شوند که کمونیسم نسل و وحدت کمونیستی تنها یک لباس

است که به آسانی از تن بدر می آید و به اصل خود رجعت می کند و لیبرال می شود علنا بگوید وحدت کمونیستی حتی ظاهریک کمونیست را هم همیشه حفظ نمی کند. اما برای طبقه کارگر، کمونیسم و مارکسیسم لباس نیست که از تن بیرون آورده و با هر کس و با هر جریان و نیروی سیاسی به زبان خودش سخن بگوید؛ وقتی به لیبرالها می رسد لیبرال شود و وقتی در یک جنبش دموکراتیک شرکت دارد، کمونیست بودن و منافع و صف مستقل خود را کنار می گذارد. کمونیسم برای طبقه کارگر علم رهایی است و به هر میزان که از آن دست بشوید و از آن دور شود به همان میزان از رهایی خود دست شسته و دور شده است. اما وحدت کمونیستی که معتقد است مادام که پرولتاریا دوران "تدارک انقلاب سوسیال - لیستی" به شیوه وحدت کمونیستی را به پایان نرسانده است نباید

سوی قدرت دست دراز کند، قدرت سیاسی را تنها ما و همواره به سوز و آبی و واگذاری بین نیروهای بورژوازی بعضی را انتخاب و برای کسب مقام شامخ مشاوره آنان پندوانند و داده و طریق "درست" رسیدن به قدرت را به آنان نشان می دهد. وحدت کمونیستی اشتباهات مجاهدین و شورای ملی مقاومت را به نحوی و از چنان دیدگاهی مطرح می سازد که حتی هر کدام از اعمای شورای ملی مقاومت نیز می توانند به طرح این چنین "انتقاد از خود" هائی بپردازند، نصایح بپردازند و وحدت کمونیستی به گونه ای است که حتی در "طرفیت های انتقاد پذیری" رهبری مجاهدین نیز می گنجد و به علاوه می تواند بعنوان نمونه ای از "انتقادات سازنده" و "شورا شکنانه" برای همه اعضای شورای ملی مقاومت سرمشق گردد.